

وزارت اطلاعات در بیانیهٔ تشریحی از جنگ ۱۲ روزه به نقش ویژهٔ مردم در این جنگ اطلاعاتی اشاره کرد

دفاع مردمی مقابل ناتوی اطلاعاتی



زهرا طبیبی

خبرنگار گروه سیاست

تایستان ۶۰ کشور سازمان موسوم به مجاهدین خلق، عملیات مهندسی را در کشور کلید زد و با ترور ستون‌های نظام و ترورهای کور در کوچه و خیابان و مغازه‌ها، آن‌هم در میانه جنگ تحمیلی با رژیم بعث عراق، تصور می‌کرد تا همراه کار جمهوری اسلامی تمام است، سازمان اطلاعاتی ایران برای غلبه بر عملیات مهندسی سازمان، مردم را به میدان آورد و از آن‌ها خواست که خانه‌های مشکوک و رفت و آمدهای عجیب را گزارش بدهند که این امر موجب شد بیش از زیادی از خانه‌های تیمی منافقین و برنامه‌ریزی‌های تروریستی آن‌ها با گزارش‌های مردمی لو برود. روزگذشته وزارت اطلاعات در بیانیه‌ای که در مورد نبرد خاموش با ناتوی اطلاعاتی منتشر کرده‌بود، ضمن تشریح ابعاد پیچیده اطلاعاتی و عملیاتی علیه این درگیری دوهفته‌ای، نقش آفرینی مردم را حماسه‌بی بدیلی خواند که تاکنون به ابعاد آن اشاره نشده است. در بخشی از این بیانیه به این موضوع اشاره شده «زمانی که از مردم درخواست مساعدت و گزارش موارد مشکوک‌شد، شاهد چنان حماسه‌ای شدیم که هیچ‌زبان و قلمی، یارای بازگویی آن‌راندازد.» از تابستان ۶۰ تا خرداد ۱۴۰۴ توانمندی‌های ایران تغییرات چشمگیری پیدا کرده و ایران امروز ایران ۴۰ سال قبل نیست، اما این جنگ نشان داد روحیه همراهی مردم از تابستان ۶۰ تاکنون و در مقابل متجاوز و خودی چه صهیونی تغییری نکرده و اگر لازم باشد برای کمک به دستگاه اطلاعاتی پای کار خواهند آمد و برخلاف محاسبات دشمن صهیونیستی، همین کمک اطلاعاتی نقش ویژه‌ای برای خنثی سازی برنامه‌های دشمن صهیونیستی و لو رفتن عوامل نفوذی دشمن ایفا کرد و چه بسا در شکست زودهنگام دشمن و مجبور کردن او به مطرح کردن درخواست آتش‌بس نیز مؤثر افتاد.

■ ■ ■

مردم نقشه‌های رژیم را نقش برآب کردند

همراهی بدنه اجتماعی در زمان جنگ، یکی از ستون‌های اساسی برای موفقیت در هر جنگی است، به همین خاطر نیز جنگ روانی عمده‌ترین بخش نبرد را به خود اختصاص می‌دهد. اگر جامعه‌ای در میان جنگ فروپاشند و افکار عمومی اش با دولت حاکم همراهی نکند، پیش از هر مبارزه‌ای شکست در جنگ، رقم می‌خورد. حالا در نظام سیاسی ایران که بر مبنای خواست و اراده مردم تشکیل شده، از هم پاشیدن همراهی و انسجام مردم، اهمیتی دوچندان پیدا می‌کند. به همین خاطر نیز دشمن صهیونیستی روی نارضایتی‌ها و شکاف‌های ایجاد شده در جامعه حساب‌های و یژه باز کرده بود تا با شروع تجاوز، هم‌زمان گسل‌های قومی و مذهبی را در جامعه تقویت کند و فرو پاشی نظام سیاسی را رقم بزند. البته آن طور که در بخشی از بیانیه وزارت اطلاعات آمده تحقق این هدف، تنها متکی به عملیات روانی رسانه‌های فارسی‌زبان صهیونیستی نبوده است بلکه در میانه جنگ، «گروهی از عناصر افراطی مروج قوم‌گرایی با گرایش تجزیه طلبی، در چندین منطقه کشورهای همسو با رژیم جعلی بازداشت‌شدند» که مستقیماً برای هدف قرار دادن همدلی و همبستگی مردم، قصد خرابکاری داشتند. علاوه بر آن، «گروهک‌های تروریستی و تجزیه‌طلب هم طرحی برای عملیات و تصرف سرزمین در شمال غرب و جنوب شرق کشور داشتند که اقدامات پیشگیرانه در این زمینه انجام شده است.» نکته مهم‌تر آنکه رژیم حتی تلاش کرده تا از اقلیت‌های دینی برای پیشسبرد پروژه‌های نفوذ استفاده کند. به همین منظور «شاخه‌ای از مزدوران موساد در پوشش جریان به اصطلاح تبشیر مسیحیت صهیونیستی متصل به کلیسای نجات سیاتل آمریکا و کلیسای شکوفان در سرزمین اشغالی، در آن مقطع به اقدامات ضدامنیتی مبادرت ورزیدند.» در کنار این، بازداشت اعضای گروهک‌های تجزیه‌طلب برای انجام عملیات‌های تروریستی در ایران نشان می‌داد که فروپاشی اجتماعی جامعه و بعد از آن ورود عوامل مسلح، به قصد راه‌اندازی جنگی داخلی در کشور بوده تا دست برتر را در اختیار رژیم قرار دهد. اما این نقشه‌ها و برنامه‌ریزی‌ها به دو دلیل محقق نشد و روی جامعه ایران کارگر نیفتاد. نکته اول آنکه همبستگی مردم در مقابل تجاوز رژیم صهیونیستی که با محکوم کردن تجاوز توسط تمام اقشار جامعه شروع شد و با همراهی و همدلی با یکدیگر برای عبور از این جنگ ادامه یافت، موجب شد این برنامه‌ها فرصت و مجال ظهور و بروز پیدا نکنند و در سایه همین همبستگی، دستگاه اطلاعاتی بتواند برای دستگیری خرابکاران و عوامل نفوذی دشمن ورود کند. نکته دوم در

وزارت اطلاعات در بیانیهٔ تشریحی از جنگ ۱۲ روزه به نقش ویژهٔ مردم در این جنگ اطلاعاتی اشاره کرد

دفاع مردمی مقابل ناتوی اطلاعاتی

این جنگ استفاده از ظرفیت مردم برای مقابله با این عوامل نفوذی بود. درخواست دستگاه‌های اطلاعاتی از مردم برای گزارش موارد مشکوک و در وهله بعدی همراهی و کمک مردم در روزهای اوج گرفتن عملیات مهندسی دشمن، علاوه بر اینکه کمک ویژه‌ای برای سرعت گرفتن بازداشت عوامل خرابکاری دشمن ایفا کرد، در تقابل با خواست و هدف دشمن صهیونیستی عمل کرد و اتفاقاً این تجاوز، شکاف میان دولت و مردم را به حداقل رساند و همکاری اطلاعاتی آن‌ها را به همراه داشت تا آنجا که وزارت اطلاعات نقش مردم در این جنگ را شگفتی‌ساز خواند و نوشت «نقش اصلی در دفاع مقدس امنیتی در برابر ائتلاف متجاوزین تبهکار را ولی نعمتان ما ایفا کردند.» وزارت اطلاعات با استنادهای دقیق این گزاره را اثبات کرد که همراهی و همدلی مردم، نقشی کلیدی در پایان جنگ و عقب‌نشینی رژیم صهیونیستی داشت.

شکست سخت نقشه پیچیده اروپایی

ابعاد عملیاتی و اطلاعاتی که در گزارش وزارت اطلاعات تبیین شده این گزاره را اثبات می‌کند که یک نقشه برنامه‌ریزی شده، پیچیده، دقیق و همه‌جانبه برای فرو پاشی نظام سیاسی ایران و به راه انداختن جنگ داخلی، طراحی و تنظیم شده بود. برای مثال در ماجرای هدف قرار دادن زندان اوین، وزارت در بیانیه به اصل هدف قرار دادن اوین اشاره کرد: «سلطنت‌طلبان تحت فرمان موساد، برای راه‌اندازی و گسیل تیم‌های مسلح عملیاتی از سراسر کشور به تهران، در اوایل روز تیر ماه برای انجام اقدامات تروریستی برنامه‌ریزی کرده‌بودند و قصد داشتند روز بعد از بمباران زندان اوین و مراکز نظامی نزدیک به زندان، هم‌زمان با فراخوان گسترده توسط راضا پهلوی و یوق صهیونی فارسی‌زبان وابسته، با هدف حضور تمامی عناصر مرتبط، خانواده‌های زندانیان و... در محوطه پیرامون زندان، ناآرامی‌های خیابانی را از همان نقطه آغاز کنند.» علاوه بر این مجموعه‌ای از برنامه‌های خرابکارانه و تروریستی و استفاده از همه ظرفیت‌ها برای نفوذ نشان می‌دهد، پروژه‌ای بسیار بزرگ‌تر و پیچیده‌تر از ناآرامی‌های ۱۴۰۱ طرح‌ریز شده بود، آن‌هم با این منظور که هدف اصلی یعنی براندازی، محقق شود. نکته کلیدی این بیانیه ورود و عملیات اطلاعاتی آمریکایی‌ها در این جنگ همه‌جانبه بوده است. وزارت اطلاعات در بخشی از این بیانیه علاوه بر کمک‌های بین‌المللی و حمایت‌های رسانه‌ای رژیم صهیونیستی به این موضوع اشاره کرد که رژیم «از آخرین دستاوردهای فنی و فناوری‌های هوشمند سنسنگام، پنتاگون و کلان شرکت‌های آمریکایی، غربی و صهیونی وابسته در زمینه‌های ماهواره‌ای، سایبری، روبایی، سیگنالی، شنودمخابراتی و اینترنتی، محاسبات کوانتومی و هوش مصنوعی، تصویربرداری پیشرفته هوایی، شبکه‌سازی‌های اجتماعی استفاده کرده است.»

مأموریت‌های بزرگ‌تر

در سرزمین اشغالی ادامه دارد

بیانیه وزارت اطلاعات ضمن تشریح و اشاره به افراد بازداشت شده و خرابکاران وابسته به موساد، به اقداماتی که دستگاه اطلاعاتی ایران علیه رژیم انجام داده نیز اشاره کرد. در بخشی از این بیانیه آمده ایران جاسوسی تهاجمی در شهرهای مختلف سرزمین اشغالی، علیه منافع رژیم صهیونی انجام‌داد. از جمله این اقدامات «استخدام عوامل اطلاعاتی و عملیاتی از درونی‌ترین لایه‌های نظامی و امنیتی رژیم، برای انجام مأموریت‌های محوله، دریافت گزارش مستند و مصور اقدامات و راستی‌آزمایی آن‌ها بود.» نهایتاً هم به این موضوع اشاره کرده که «اگرچه رژیم تعدادی از عوامل را بازداشت کرده اما بخش بزرگ‌تر و حساس‌تر مأموریت‌ها، همچنان جریان دارد.» مطرح کردن عملیات دستگاه‌های اطلاعاتی ایران علیه رژیم، با چنند هدف مشخص صورت گرفته است. نکته اول آنکه وزارت اطلاعات تعهداً عملیات‌های اطلاعاتی ایران در سرزمین‌های اشغالی را ذیل پروژه‌های ضدایرانی صهیونیست‌ها بیان کرد تا در ابعاد رسانه‌ای پاسخنی روشن دشمن صهیونیستی دهد که به کارگیری و استفاده از عملیات‌های نفوذ علیه ایران، بدون واکنش و پاسخ نخواهد بود و ایران نیز متقابلاً عملیات‌های اطلاعاتی در سرزمین اشغالی را با استفاده از ساکنان آن اجرایی خواهد کرد. نکته دوم آنکه بیان این موضوع که رژیم تنها توانسته بخشی از عوامل را که به ایران اطلاعات می‌دادند بازداشت کندو هنوز مأموریت‌های بزرگ‌تر اجرانشده است، جنبه روانی برای صهیونیست‌ها دارد و ایجاد همین احساس ناامنی در مستأصل کردن دشمن و تأثیرگذاری بر تصمیمات آن‌ها، پاسخی قاطع به عملیات‌های نفوذ دشمن است که هر خرابکاری در کشور، متقابلاً با پاسخ همراه خواهد شد.

متن قانون انتشار اخبار در فضای مجازی چه اهدافی را دنبال می‌کند؟

لایحه‌ای برای اجرا نشدن



علی مزروعی

خبرنگار گروه سیاست

پس از انتشار خبر ارسال لایحه «مقابله با انتشار محتوای خبری خلاف واقع در فضای مجازی» این لایحه با موجی از انتقاد مواجه شد که بسیاری از آن‌ها نیز بدون هیچ‌گونه نقد فنی صرفاً با تکیه بر دیدگاه‌های سیاسی به این لایحه حمله بردند. اما از منظر درون متنی، چنین لایحه‌ای خالی از ایرادات فنی نیست و از اباب برون متنی نیز ارائه این لایحه مبهم و واجد ایراد که چهره‌های منتسب به دولت نیز سعی در سلب مسئولیت دولت در قبال آن دارند و این سؤال را به وجود می‌آورد که چرا به فاصله چند روز بعد از پایان جنگ تحمیلی و در شرایطی که جامعه نیاز به آرامش روانی دارد، لایحه را بدون اصلاح‌های لازم ارائه کرده‌اند. همچنین ارائه یک لایحه نخبه و مبهم باعث می‌شود تا حساسیت اجتماعی بالا رفته و هرگونه راه صحیحی نیز برای قانون‌گذاری در حوزه مبارزه با مطالب جعلی مسدود شود.

محتوای خلاف واقع را

تعارض منافع تعیین می‌کند

مطابق با ماده ۱۱ این لایحه اعلام شده که اگر ذی‌نفعی معتقد بود یک درگاه، محتوایی خلاف واقع منتشر کرده است می‌تواند از درگاه منتشرکننده یا سکو میزبان آن بخواهد تا از ادامه انتشار جلوگیری شود. درگاه منتشرکننده و سکو یا نرم‌افزار میزبان نیز مکلف شده که در صورت احراز خلاف واقع بودن محتوا در خصوص حذف، اصلاح و اعلام خلاف واقع بودن آن اقدام کند و در صورتی که این کار را نکند ذی‌نفع می‌تواند در سامانه‌ای که وزارت ارشاد مکلف به ایجاد آن است درخواست خود را ثبت کند.

نکته‌ای که در این ماده مبهم است این است که مرجع تعیین‌کننده خلاف واقع بودن محتوا تعیین نشده است. البته شاید معاونت حقوقی این ایراد

بستهٔ پیشنهادی شورای عالی اصلاح طلبان به رئیس‌جمهور دولت را در چه وضعی قرار می‌دهد

پوست‌موز زیر پای دولت



علی ملکی

خبرنگار گروه سیاست

هم‌زمان با فراگیری کشور در مرحله‌ای حساس پس از مواجهه با تهدیدهای خارجی، جبهه اصلاحات در بسته‌ای پیشنهادی به رئیس‌جمهور، مواردی مطرح کرده که در ظاهر این طور ادعا می‌شود که راهی برای خروج از بحران است؛ اما در اصل نوعی برائت‌جویی و انداختن دولت در باتلاقی جدید است. برخلاف آنچه نگارندگان در این بسته تبلیغ می‌کنند، هدف اصلی نه ترمیم ساختارها و نه آشتی ملی، بلکه خروج بی‌هزینه از دایره پاسخگویی و انداختن تمام تبعات وضعیت موجود بر گردن دولت است؛ دولتی که در زمان انتخابات مورد حمایت مستقیم اصلاح‌طلبان بود و امروز که سنگ‌هایی پیش پایش افتاده، ناگهان آن را «فاقد انسجام» و «بی‌تصمیم» معرفی می‌کنند.

در این بسته، اصلاح‌طلبان نه حامی دولت که ناظر منتقدی شده‌اند که به نظر می‌رسد فقط زمانی یونفرم حمایت از پزشکیان و کابینه‌اش را می‌پوشند که اوضاع کاملاً گل و بلبل باشد. دولت اگر می‌خواهد از این پوست موز عبور کند، باید مراقب باشد که در مسیر وحدت و وقاف ملی، ابزار گروه‌های سیاسی نشود. همدلی واقعی با مردم از مسیر باج‌دهی به جریانی که دیروز حامی دولت بود و امروز تلاش دارد خود را از آن متمایز نشان دهد، عبور نکند.

■ ■ ■

اصلاح‌طلبی با دنده معکوس

در روزهای انتخابات و پس از پیروزی و جشن‌های پیروزی، اصلاح‌طلبان تمام‌قد در حمایت از پزشکیان ظاهر شدند. نامزد خود را با اعتماد کامل به میدان فرستادند، رسانه‌های‌شان او را «فرصتی برای نجات کشور» خواندند و شکست جناح مقابل را به پای بلوغ سیاسی مردم گذاشتند. اما حالا که نوبت به تصمیم‌های سخت، تبعات بین‌المللی و تحولات امنیتی رسیده، ناگهان خود را کنار کشیده‌اند و می‌گویند «چون این دولت زیر نظر رهبری و ش‌سواری عالی امنیت ملی است، ما دخالتی نداریم.» آنان می‌خواهند با این رفتار برگ‌سفید اصلاح‌طلبی را دوباره دست‌نخورده نگه دارند تا شاید در انتخابات بعدی، بدون هزینه وارد کارزار شوند؛ آن‌که نقش خود را در تشکیل و حمایت از دولت فعلی به یاد بیاورند.

در ابتدای نامه، از شهدای نظامی و غیرنظامی تقدیر شده و از خدمات دولت در بحران تجاوز نظامی اخیر تمجید می‌شود. اما بلافاصله، این تقدیر به انتقاد از آنچه که «پنهان‌کاری»، «روایت‌سازی‌های کاذب» و «بی‌اعتمادی عمومی» نامیده می‌شود تبدیل می‌گردد. گویی نویسندگان با زبان دوگانه‌ای سخن می‌گویند. از یک‌سو دولت را بابت صبوری و تدبیر می‌ستایند و از سوی دیگر، همان دولت را به پنهان‌کاری و ضعف مدیریت متهم می‌کنند.

دمیدن بردوگانهٔ دیپلماسی و میدان

برای‌تان قدیمی نشده است؟

یکی از گزاره‌های بسته اصلاح‌طلبان، حمله به نهادهای نظامی و امنیتی در پوشش «وحدت فرماندهی در سیاست خارجی» است. در بند ۶ به صراحت آمده: «نظامیان دیپلمات‌های خوبی نیستند» و «مداخلات آنان خسارات زیادی به کشور زده است». کدام مقام نظامی ادعا کرده که دیپلمات است؟ مگر نه اینکه در وقت بحران، این فرماندهان بودند که با تحرک منطقه‌ای، بازآرندگی ایران را احیا کردند؟ نویسندگان بسته اصلاحات تلاش کرده‌اند تضادی جعلی میان دیپلماسی و امنیت ایجاد کنند و دولت را تشویق به تقابل با ارکان دیگر نظام نمایند. راهی که پر از مین‌های سیاسی است و قبلاً هم توسط برخی از همین چهره‌های اصلاح‌طلب منفجر شده است. شخص ارعاقی هم‌زمان با مذاکرات هماهنگی‌هایی با فرماندهان نظامی داشت؛ چراکه می‌دانست دیپلماسی و میدان تکنیک‌ناپذیرند و در جن حلال هرکدام کارکردهای خودشان را دارند. دمیدن بر این دوگانه‌سازی اقدام کهنه‌ای است که دیگر از وزن افتاده و وزیر خارجه هم نشان داده که علاقه‌ای به پررنگ کردن این دوقطبی دروغین ندارد.

بستهٔ پیشنهادی شورای عالی اصلاح طلبان به رئیس‌جمهور دولت را در چه وضعی قرار می‌دهد

پوست‌موز زیر پای دولت

کشور «دستگاه دیپلماسی» دارد

در بند هفتم بسته، بار دیگر همان ادبیات تکراری «مذاکره با آمریکا» تحت عنوان «راهبرد توسعه به جای بقا» مطرح شده است. این بار نه تنها مذاکره را در اصل مشکلات معرفی می‌کنند، بلکه پیشنهاد می‌دهند گفت‌وگو با آمریکا و اروپا به منظور گرفتن تضمین‌های امنیتی در دستور کار قرار گیرد. اصل مذاکره قابل بررسی است و مسئولان نظام با مدنظر قرار دادن شرایط و ضوابط متنوع، تصمیم به انجام آن می‌گیرند. اما پرسشی که درباره این بخش از بسته پیشنهادی مطرح می‌شود این است که در کدام شرایط و با کدام پشتوانه؟ در زمانی که آمریکا و متحدانش با تمام ظرفیت در حال فعال‌سازی مکانیسم ماشه، ایجاد اجماع بین‌المللی علیه ایران و تحمیل انزوای دیپلماتیک هستند، این پیشنهاد دولت را در معرض تصمیم‌گیری عجولانه قرار می‌دهد و مقتضیات موجود را نادیده می‌گیرد. مذاکره در شرایط برابر بخشی از منطق دیپلماسی است. اما در شرایط تهدید و جنگ تحمیلی تبدیل آن به راهبرد مرکزی، صرفاً منتقل‌کننده پیام ضعف است.

آشتی‌گزینشی

در بند چهارم بسته اصلاحات، فهرستی بلندبالا از مطالبات اجتماعی و اصلاحات مدنی ارائه شده؛ از رفع حصر تا عفو عمومی، از آزادی زندانیان سیاسی تا اصلاح صداوسیما، از حذف فیلترینگ تا آزادی‌های مدنی. اما نکته اساسی اینجاست که هیچ اشاره‌ای به شعار محوری دولت و تقویت هماهنگی میان ارکان نظام یا هیچ تقویت انسجام اجتماعی وجود ندارد. آشتی ملی، به روایت این بسته، یعنی «حذف نهادهای غیرهمسو» از عرصه عمومی، نه گفت‌وگوی واقعی میان اقلشار، اصناف و نیروهای سیاسی با جهت‌گیری‌های مختلف. این «آشتی گزینشی» بیش از آنکه وحدت‌آفرین باشد، بازتولید شکاف در پوشش گفت‌وگوست.

نسخه‌پیچی با تهدید

جبهه اصلاحات در ظاهر به دولت راحمل می‌دهد، اما در عمل او را تهدید می‌کند که یا سیاست‌های ما را اجرا کن یا افکار عمومی را دست بده، یا به سمت «راهبرد توسعه» برو یا در انزوای کامل قرار بگیر. حتی جملاتی مثل «اگر نظام اراده تجدیدنظر در سیاست‌ها را نشان دهد، جامعه همراهی خواهد کرد» نوعی گروکشی است. به این معنا که حمایت مردمی در گروی تمکین نظام به بندهای این بسته است. در چنین ساختاری، جبهه اصلاحات خود را قیم افکار عمومی و تنها مسیر مشروع و مقبول اصلاح معرفی می‌کند و با این گفتمان، دولت را در مقابل نهادهای نظامی و رسانه‌ای و دیگر ارکان حکمرانی قرار می‌دهد.

تهمت انفعال به دولت

اصلاح‌طلبان دولت را متهم به بی‌تصمیمی می‌کنند، حال آنکه بسیاری از کارهایی که مدنظر آنهاست و باید فوراً و بدون ملاحظه و مشورت انجام شود، موضوعاتی هستند که صرفاً در اختیار قوه مجریه نیستند و باید مجلس به عنوان نهاد قانون‌گذار در این زمینه مؤثر باشد. انداختن دولت در دام تعجیل در تصمیم‌گیری آن هم در شرایط کنونی تحولات پرسرعت بین‌الملل چه آورده‌ای می‌تواند برای نویسندگان داشته باشد؟ با فرض اینکه دولت به حرف شما گوش دهد و تصمیمی عجولانه در حوزه‌هایی که مدنظر شماست بگیرد، چه تضمینی وجود دارد که در صورت شکست این تصمیم، دوباره پشت کابینه را از حمایت خود و شانه خود را از تقصیر خالی نکند؟

مدعی نفوذ و معترض به ضدنفوذ

نکته جالب این استست که بسته اصلاح‌طلبان با ادعای انسداد مجاری نفوذ در ساختار اطلاعاتی شروع شده و تضعیف نهادهای امنیتی و حذف معیارهای ایدئولوژیک در گزینش‌ها ختم می‌شود. یعنی اول ادعا می‌کنند کشور آلوده به نفوذ است، سپس همان نهادهایی که برابر نفوذ ایستادند و در تحولات اخیر موارد بسیاری از حملات بی‌سابقه علیه کشور را دفع کرده‌اند هدف قرار می‌دهند و پیشنهاد می‌کنند معیارهای امنیتی کنار گذاشته شوند. چگونه می‌توان هم نگران جاسوس بود و هم خواستار حذف نهادهای مقابله با جاسوسی شد؟

تهدیه شده و به عنوان لایحه قضایی به دولت ارسال شد و پس از ارسال این لایحه به دولت بررسی لایحه در دولت از دی‌ماه ۱۴۰۳ آغاز شده است.» از این اظهارنظر پاسخ به ادعای چهره رسانه‌ای دولت چهاردهم که سعی در انتساب لایحه به دولت قبل را داشت، برداشت نمی‌شود؛ چراکه آغاز بررسی لایحه در دولت از دی ۱۴۰۳ است یعنی زمانی که دولت چهاردهم مستقر شده. بنابراین حتی فرار از پاسخگویی نیز با استدلال‌های غلط صورت می‌گیرد چه برسد به پاسخ‌گویی در مورد محتوای آن.

متعارضان به حقوق شهروندی

ادعای دفاع از آن را دارند

بارها شاهد بوده‌ایم که برخی چهره‌های سیاسی بدون پرداختن به محتوا، هرگونه طرح و لایحه پیشنهادی در حوزه مدیریت فضای مجازی را به معنی تلاش حاکمیت برای سلب حقوق شهروندی معرفی می‌کنند. حال آنکه یکی از شئون حقوق شهروندی حفظ آبروی افراد است که که توسط فیک‌نیزها و باج‌نیزها مورد تهاجم قرار می‌گیرند و برای ایفای حقوقشان راهی جز مهار افراد و رسانه‌های مخرب وجود ندارد. برخی اما با نادیده گرفتن این اصل هرگونه اصلاحی را زیر سؤال برده و با نگاهی تک‌بعدی رها بودن فضای رسانه‌ای را «آزادی بیان» معنی می‌کنند. نکته طنز در این باره این است که در بین منتقدانی که بدون هیچ‌گونه استدلال فنی با رویکردی سیاسی به مبارزه با اصل لایحه می‌روند چهره‌هایی نیز وجود دارند که به ویژه در چند هفته اخیر با طرح اظهارات زننده و غیرمسئند رو به تخریب آبروی ملی آورده‌اند. افرادی که بعضاً حقوق قلم را با اظهارات آمیز زیر سؤال می‌برند اکنون مدعی تلاش برای حفظ حقوق شهروندی شده‌اند. سابقه اظهارات این افراد اما اثبات می‌کند که این تلاششان صرفاً بی‌سر و سامان نگه داشتن فضای مجازی با هدف دیده شدن بیشتر و مصونیت از برخورد درخور است.